

راهبرد سیاست خارجی روسیه در قبال برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق

ابومحمد عسگرخانی^۱

مهدي پادروند^۲

داریوش هوشمند ننه کران^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاهم - بهار ۱۴۰۰

چکیده

برگزاری همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ باعث شد که موجی از واکنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دربرداشته باشد. واکنش‌های منطقه‌ای همان‌گونه که مشخص بود واکنش دولت ایران، ترکیه و سوریه و همچنین مهم‌ترین واکنش‌های فرامنطقه‌ای شامل روسیه و کشورهای غربی بود. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی راهبرد سیاست خارجی روسیه به‌عنوان یک کشور فرامنطقه‌ای انجام شده و اطلاعات مربوطه را از مقالات و کتب به‌دست آورده است، سؤال اصلی بدین‌گونه مطرح می‌شود که راهبرد سیاست خارجی روسیه در قبال همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق چگونه بود؟ فرضیه مسکو در زمان همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق هر چند به‌طور واضح و شفاف موضع‌گیری نکرد، اما در عمل با این اقدام مخالف بود که مهم‌ترین محور آن در قالب دلایل مخالفت با همه‌پرسی به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، ائتلاف و همکاری با ایران و ترکیه، تقویت دولت مرکزی عراق و رایزنی با منطقه خودمختار اقلیم کردستان عراق به‌منظور به‌تعویق انداختن همه‌پرسی تضعیف حاکمیت ملی و توسعه افراط‌گرایی، به‌خطر افتادن نقش ثبات‌ساز روسیه در منطقه و دخالت بیشتر آمریکا، ایجاد معضلات امنیتی در مرزهای ایران به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان مسکو و ساقط کردن هرگونه فعالیت تجزیه‌طلبانه چه در داخل و چه در خارج از مرزهای خود بود.

واژگان کلیدی

سیاست خارجی روسیه؛ همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق؛ امنیت جمهوری اسلامی ایران؛ معادله هزینه - فایده؛ رویکرد ابزاری - تاکتیکی

1. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

2. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

3. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

1. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

2. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

3. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقدمه

تجاوز عراق به ایران و آغاز جنگ میان دو کشور، فرصتی را ایجاد کرد که مبارزات کردهای عراق که پس انعقاد معاهده الجزایر به حالت رکود گرفتار شده بود، دوباره از سرگرفته شود و با آغاز جنگ‌های میان عراق و ایران بر شدت درگیری‌ها میان کردهای عراق و دولت این کشور افزوده شد (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۲). این بار نیز کردهای عراق از حمایت دولت ایران برخوردار شدند و همکاری کردهای عراق با دولت ایران تا پایان جنگ ادامه یافت. با پایان جنگ ایران و عراق، دولت عراق که در بمباران حلبچه^۱ در سال ۱۹۸۸ اوج قساوت و بی‌رحمی خود را نسبت به کردها نمایش داده بود به پاکسازی قومی در کردستان عراق دست زد و طی عملیاتی که به کشتار انفال^۲ مشهور شد هزاران تن از کردهای عراق را قتل‌عام کرد. متعاقب این کشتار حمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ فرصتی تاریخی دیگری برای کردهای عراق، جهت پیگیری مبارزاتشان و نبرد مسلحانه علیه دولت مرکزی ایجاد نمود. باین‌حال و پس از عقب‌نشینی از کویت، صدام با استفاده از نیروهای گارد ریاست‌جمهوری به سرکوب شدید کردها پرداخت. شدت درگیری‌ها در کردستان عراق به‌حدی بود که با پیشنهاد میجر^۳ نخست‌وزیر وقت انگلیس، شورای امنیت سازمان ملل^۴ با صدور قطعنامه ۶۸۸ طرح ایجاد مناطق امن^۵ از شمال عراق را تصویب کرد و به‌مرحله اجرا درآورد. از آن زمان به بعد، امور مناطق کردستان شمال عراق عملاً از اختیار دولت مرکزی عراق خارج شد. با برگزاری انتخابات در ماه مه ۱۹۹۲ مجلس ملی مناطق کردنشین عراق نیز تأسیس شد (کرمی، ۱۳۷۶: ۲۱۶ - ۱۹۴).

بعد از مسائل ذکرشده، رهبری منطقه خودمختار کردستان عراق به مسعود بارزانی واگذار شد. وی طی سالیان متمادی درصدد ایجاد یک منطقه مستقل از دولت مرکزی عراق برآمد. تا اینکه بحران عراق و حمله داعش به این کشور اتفاق افتاد و با نقش پررنگ مبارزان کرد در این بحران، در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ کردهای اقلیم کردستان عراق^۶ اعلام کردند که درصدد استقلال از دولت مرکزی و ایجاد دولت کردی هستند. رئیس منطقه کردنشین عراق "مسعود بارزانی"^۷ اعلام کرد که استقلال کردستان عراق راهی برای رهایی از رنج‌ها و تبعیض‌هایی خواهد بود که دولت مرکزی عراق در ادوار متوالی بر این منطقه روا

1. Halabja
2. Anfal massacre
3. Major
4. United Nations Security Council
5. Creating safe areas
6. Iraq's Kordistan state
7. Masoud barezani



داشته است (Hiltermann, 2017: 4).

اما این استقلال و برگزاری همه‌پرسی در این منطقه اوضاع وخیمی را در عراق ایجاد می‌کرد؛ چراکه با عملی‌شدن آن عراق به سه منطقه، سنی - شیعه و کردنشین تقسیم می‌شد و این مسئله برای ایران - ترکیه و متحد اصلی و فعلی آنها روسیه و به‌ویژه سوریه که دارای بحرانی شدیدتر از عراق به‌دلیل نزدیکی و داشتن مرزهای مشترک با این منطقه و دولت مرکزی عراق و نیز وجود نیروهای تکفیری و تروریستی در این کشور، مشکل‌آفرین می‌شد؛ زیرا با وجود نیروهای تجزیه‌طلب در داخل دو کشور ایران و ترکیه که بسیاری از آنها هم‌اکنون در کردستان عراق مستقر و برخی مواقع با نظامیان آنها در نقاط مختلف مرزی درگیر می‌شوند می‌توانند بر امنیت داخلی کشورهای مذکور تأثیر بگذارند. برای نمونه، می‌توان به بیانات «لقمان احمدی»^۱ سخنگوی حزب دموکرات (kdpi) اشاره کرد. این سخنگو بیان داشت که، "مبارزه ملت کُرد در تمام نقاط ایران، ترکیه، عراق و سوریه به هم پیوسته است. امروزه با همه‌پرسی برای استقلال در اقلیم کردستان عراق یک گام مثبت ملت کرد برداشته‌اند". احمدی در ادامه اظهارات خود اضافه کرد که "با این وجود؛ یعنی استقلال کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کُردی در شمال این کشور می‌توانیم از هر توانایی که داریم برای تضعیف دولت ایران و ترکیه و همچنین کمک به نیروهای مرکزگرای سوریه استفاده کنیم". این بیانات نشان‌دهنده این است که تهدیدهای مذکور متوجه کشورهای هم‌مرز با اقلیم هستند (Hashem, 2017: 2 - 5).

روسیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان ایران و ترکیه نیز رویکرد مخالفی را برای دستگاه سیاست خارجی خود در قبال همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق در آن زمان برگزید. کرم‌لین بعد از اینکه مسعود بارزانی اعلام کرد که کردستان عراق در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ برای دستیابی به استقلال، رفراندوم برگزار می‌کند، توسط وزیر امور خارجه خود سرگئی لاوروف بیان داشت که: «با اینکه برگزاری رفراندوم آرمان قانونی کردها را نشان می‌دهد، اما اقلیم کردستان باید مطابق قوانین بین‌المللی کار کند.» ایران نیز در کنار روسیه به‌عنوان یکی دیگر از متحدان کلیدی دولت عراق، مخالفت خود را با برگزاری رفراندوم اعلام کردند (Frantzman, 2017)؛ چراکه این دو کشور حمایت‌های رژیم اشغال‌گر قدس و آمریکا و هم‌پیمانان آنها در منطقه از برگزاری رفراندوم در منطقه اقلیم کردستان را یک اهرم برای بی‌ثباتی در عراق می‌دانند؛ بنابراین، با آن مخالف بودند. از نظر ایران و روسیه تجزیه عراق و پیروزی بارزانی در همه‌پرسی استقلال‌طلبی به‌عنوان ایجاد یک پایگاه نظامی برای آمریکا و دولت‌های منطقه‌ای هم‌پیمان با آنها قلمداد می‌شد. بدیهی است که این مسئله فعلاً با

راهبرد نئو اوراسیاگراها با ریاست پوتین در تضاد کامل می‌باشد. به‌همین منظور، دولت مردان کرملین با درک درست از شرایط خود و هم‌پیمانان درصدد توسعه نفوذ خود در عراق و کل خارومیانه به‌منظور دستیابی به منافع ملی برآمده است (Akreyi, 2017). این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی راهبرد سیاست خارجی روسیه در قبال همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق است و اطلاعات لازم را از کتب و مقالات جمع‌آوری کرده است.

چارچوب نظری

معادله هزینه - فایده

مفهوم معادله هزینه - فایده به ژول دوپویتیک، مهندس فرانسوی مربوط می‌شود که این روند را در مقاله‌ای در سال ۱۸۴۸ تشریح کرد (Landau, 2018). اما اقتصاددان بریتانیایی آلفرد مارشال این ایده را به‌عنوان پایه نظریه خود مطرح کرد. البته این روش در سال ۱۹۳۶ توسط یگان مهندسی نیروی زمینی آمریکا به‌عنوان روشی برای تصمیم‌گیری در زمینه احداث سیل‌بند روی آب‌های جاری ابداع گردید. بنابراین، سپاه مهندسیین روش‌های منظمی برای اندازه‌گیری چنین فایده و هزینه‌هایی ایجاد کرده بود. مهندسان سپاه این کار را بدون هیچ کمکی از حرفه اقتصاد انجام دادند. حدود بیست سال بعد در دهه ۱۹۵۰ اقتصاددانان سعی کردند از روش‌های دقیق و مداوم برای اندازه‌گیری مزایا و هزینه‌ها استفاده کنند و تصمیم بگیرند که آیا یک پروژه ارزشمند است یا خیر؟ برخی از مسائل فنی CBA حتی در حال حاضر کاملاً برطرف نشده است (حسن‌خانی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). گفتنی است امروز این نظریه در حوزه روابط بین‌الملل وارد شده است.

تحلیل هزینه - فایده به ۵ سؤال اساسی پاسخ می‌دهد:

- چه منافع مستقیمی از این هزینه عاید خواهد شد؟

- اگر این اقدام ضروری است آیا گزینه کم‌هزینه‌تری برای انجام آن وجود دارد؟

- اگر هزینه انجام نشود چه زیان‌هایی واقع خواهد شد؟

- چه منافع غیرمستقیمی از این هزینه عاید خواهد شد؟

- آیا منافع حاصل نسبت به هزینه‌های بیشتر است؟

همچنین این روش تحلیلی کمک می‌کند تا تصمیم مناسب برای ایجاد حداکثر منافع در مقابل حداقل هزینه‌ها مشخص شود.

تحلیل هزینه - فایده گزینه‌هایی را در اختیار شما قرار می‌دهد و بهترین روش برای دستیابی به هدف خود را ضمن صرفه‌جویی در سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد (Landau,)



2018). در استفاده از CBA دو هدف اصلی وجود دارد:

- برای تعیین اینکه آیا این پروژه صحیح، توجیه‌پذیر و عملی است؛ با فهمیدن اینکه آیا مزایای آن از هزینه‌های بالاتر می‌رود یا خیر؟
- ارائه یک مبنای اولیه برای مقایسه پروژه‌ها با تعیین اینکه مزایای کدام پروژه از هزینه‌های آن بیشتر است؟

در کل باید این‌گونه بیان داشت که راهبرد مذکور یک روش ریاضی است که درک فلسفی آن بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد. در حوزه سیاست خارجی این راهبرد باعث می‌شود که کمترین فرصت در اختیار رقبا و یا دشمنان قرار گیرد. به‌عنوان مثال، اگر اتخاذ یک راهبرد در دستگاه سیاست خارجی یک کشور برای آن دولت از هزینه بسیار بالایی برخوردار باشد، کشوری که با آن در رقابت قرار دارد می‌تواند با اتخاذ همان تصمیم و یا راهبرد به منافع ملی آن کشور هزینه بسیار بالایی بزند و منافع آن را با خطر جدی مواجه کند. این مسئله در طول تاریخ باعث شده است که کشورها ضریب خطای خود را کاهش داده و از راهبردهای مطمئن‌تری استفاده کنند (خانی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸ - ۱۴۷).

یک نمونه مناسب که می‌تواند با توجه به تحولات نوین غرب آسیا برای راهبرد سیاست خارجی مورد استفاده قرار داد، راهبردی می‌باشد که روسیه در غرب آسیا با توجه به روی کار آمدن ولادیمیر پوتین مورد استفاده قرار داده است. این کشور با توجه به این که در ادوار گذشته و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در انزوای کامل به سر می‌برد، در چند سال اخیر در صدد است که قدرت سابق و نفوذ خود را در مناطق مهم افزایش دهد و همان‌طور از رقبای دیرینه خود یعنی آمریکا و اتحادیه اروپا جلوتر برود. استفاده کردن از راهبرد هزینه - فایده در دستگاه سیاست خارجی روسیه در غرب آسیا را می‌توان در قبال همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق مشاهده نمود. این کشور ضمن همکاری و ائتلاف با ایران و ترکیه و همچنین سوریه که از جمعیت کردهای قابل توجهی برخوردار هستند، از استقلال این منطقه آن‌گونه که باید ناخوشایند نشد؛ چراکه منفعی نیز برای مسکو داشت (Zhdannikov, 2017: 1)؛ چراکه اوضاع غرب آسیا بیش از حد انتظار متشنج بود و روسیه به منوال سابق در صورت استقلال کردستان عراق در آن زمان نمی‌توانست منافع ملی مورد نظر را تأمین کند.

دولت ایران و ترکیه که همگام با راهبردهای خاورمیانه‌ای روسیه حرکت کرده بودند، با همه‌پرسی استقلال‌طلبی مخالفت کرده بودند و آن را معضلی برای امنیت داخلی و خارجی خود قلمداد کردند. این مسئله مهم‌ترین متحدان کرملین را درگیر خود می‌کرد (Austin Holmes, 2019: 1 - 6). در این شرایط سؤالی که پیش روی دولت‌مردان روسیه قرار

می‌گرفت این بود که چگونه باید در بحبوه این تنش‌ها از منافع ملی موردنظر خود حمایت می‌کردند؟ جواب این سؤال چیزی نیست؛ جز اینکه کرملین باید هزینه و فایده حمایت و یا مخالفت با استقلال کردستان عراق را مورد توجه خود قرار می‌داد و طبق هزینه‌هایی که می‌توانست در هر حالت برای آن داشته باشد راهبرد سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کرد. به عبارت دیگر استفاده از راهبرد هزینه - فایده برای دولت‌مردان این کشور بهترین و مهم‌ترین ابزار روسیه به‌شمار می‌رفت. در ادامه به تحلیل سیاست خارجی روسیه در قبال همه‌پرسی استقلال طلبی کردستان عراق می‌پردازیم و براساس چارچوب نظری هزینه فایده میزان هزینه‌ها و فایده‌هایی را که این راهبرد می‌تواند برای روسیه داشته باشد، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بررسی مهم‌ترین هزینه و فایده‌های روسیه در قبال همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق هزینه‌ها

بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بیشتر زمینه‌های قدرتی در این کشور به حالت انقلابی درآمده و یک حکومت مذهبی و شیعه در این کشور روی کار آمد که این مسئله باعث شد ایران در قالب همگرایی دوستانه و دوجانبه در این کشور فعالیت خود را توسعه دهد. روسیه که امروزه از مهم‌ترین متحدین ایران و عراق در منطقه می‌باشد درصدد این است که مانند ایران در این کشور نفوذ خود را توسعه داده و در مقابل از توسعه نفوذ آمریکا و متحدین منطقه ای آن جلوگیری کند؛ اما همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق باعث شد که عراق نسبت به کرملین بدبین و مقامات بغداد به این کشور در مورد همکاری‌های همه‌جانبه با اربیل هشدار دهد. لذا طبیعی به نظر می‌رسد که مسکو با احتیاط بیشتری همکاری خود را با عراق ادامه دهد (Suchkov, 2018: 4).

همکاری با کشور عراق برای روسیه در راستای این درگیری‌ها خدشه‌دار شد و دولت‌مردان این کشور باید هم اربیل و هم عراق را که دو متحد در ادوار مختلف برای مسکو به‌شمار می‌رفتند، راضی نگه می‌داشت (Foy, 2018: 2 - 5) که برقراری تعادل با وجود قدرت همه‌جانبه آمریکا و کشورهای منطقه هم‌پیمان با آن برای مسکو هزینه‌های زیادی را دربرداشت اما در نهایت دولت‌مردان کرملین ضمن درک تقسیمات حقوقی و ارضی متحمل این هزینه شد تا نفوذ خود را از دست ندهد (Suchkov, 2018: 4 - 7). در این قالب ضمن همکاری با کشورهای منطقه‌ای که مخالفت خود را نسبت به همه‌پرسی بنا بر دلایل گوناگون بیان کرده بودند، اتخاذ موضع مناسب هزینه‌ها و فایده‌های مهمی را برای مسکو به‌همراه داشت که در ادامه ابتدا به هزینه‌ها و بعد به فایده‌های آن اشاره می‌کنیم.



۱. هزینه اقتصادی

عمده همکاری روسیه با منطقه اقلیم کردستان عراق در بعد اقتصادی بحث انرژی این منطقه است. در سال ۲۰۱۷، شرکت پیشرو نفت روسیه Rosneft اعلام کرد که برای پیاده‌سازی یک پروژه ۱,۸ میلیارد دلاری برای استفاده مشترک از یک خط لوله نفتی در کردستان عراق، با نیروهای دولت اقلیم کردستان در حال مذاکره است که برای رسیدن به این مهم در طی چند هفته، ۱,۳ میلیارد دلار پیش‌پرداخت به اربیل داد. این شرکت روسی برای همکاری در پنج «بلوک تولید» (در کل ۶۷۰ میلیون بشکه) بسته‌ای از معاملات الزام‌آور با مقامات کرد عراقی را امضا کرده بود، ولی بعد از برگزاری همه‌پرسی و استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق در همان سال و در ژانویه سال ۲۰۱۸ بغداد خاطرنشان کرد که شرکت روسی صرفاً "یک اقدام اشتباه را انجام داده است. دولت مرکزی عراق هرگونه توافق صورت‌گرفته بدون رضایت خود را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را رعایت نمی‌کند که یک شکست تجاری برای مسکو به‌شمار رفت (Suchkov, 2018: 5 - 7).

اولاً توسعه زیرساخت‌های انرژی در عراق نیازمند امنیت کامل در این کشور می‌باشد که با برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق امنیت مورد نیاز خدشه‌دار خواهد شد و زمینه برای توسعه نیروهای تروریستی فراهم می‌شود. رهبران عراق باید به دولت‌سازی، نهادینه‌کردن، حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون اولویت می‌دادند و اکنون نیز باید بدین‌گونه باشد که همگی در حال حاضر در ضعیف‌ترین وضعیت بودند؛ چراکه استقلال طلبی کردستان این کشور موارد مذکور را به‌شدت تحت شعاع قرار داد. برای همکاری روسیه با این کشور در بعد انرژی نفت و گاز و توسعه فعالیت شرکت‌های گزیروم، روسنفت و... عراق باید دوباره عملکردی کامل داشته باشد تا بتواند نقش راهبردی خود را ایفا کند و از فرصت‌های ایجادشده برای همکاری با روسیه در بعد انرژی بهره‌مند شود. در صورت عدم موفقیت، بازگشت داعش و تجزیه بیشتر کشور به‌وسیله اربیل امری اجتناب‌ناپذیر بود؛ یعنی روسیه نیز از این مسئله متضرر می‌شود؛ چراکه فعالیت شرکت‌های تجاری و انرژی این کشور در جنوب و غرب عراق در حال فعالیت چشمگیر هستند و در صورت تجزیه و بازگشت داعش با مشکلات جدی مواجه می‌شوند (Smekalova, 2018: 2 - 4).

روابط اقتصادی و تجاری روسیه - عراق در هاله‌ای از ابهام با وجود برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق قرار گرفت. زیرا نیروی نظامی عراق مناطق مورد مناقشه بین اربیل و بغداد مانند کرکوک را از دست پیشمرگه‌ها خارج کرد و اختیار آن مناطق را در دست گرفت. بنابراین، سرمایه‌گذاری‌های مسکو در این کشور با خطر جدی مواجه شد (International Crisis Group, 2019: 13 - 18).

هزینه سیاسی

در مورد هزینه سیاسی روسیه باید به دو رویکرد متضاد این کشور در قبال حق تعیین سرنوشت توسط اقوام اشاره کنیم. در سال ۲۰۰۸ مسکو از آبخازیا و اوستیای جنوبی در برابر گرجستان به منظور حق تعیین سرنوشت، حمایت کرد، ولی اگر این حق تعیین سرنوشت منافع آن کمتر از منافع مورد نظر کرملین باشد به سمت حمایت از حاکمیت‌های ملی سوق پیدا می‌کند. نمونه بارز در این مورد حق تعیین سرنوشت اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ و یا همه‌پرسی استقلال طلبی آن بود. از آنجاکه استقلال کردستان در کوتاه و میان مدت، باعث بی‌ثباتی و تضعیف بیشتر حاکمیت‌های ملی در منطقه خواهد شد، مسکو مخالف این امر خواهد بود. منافع عینی آن نیز در این مخالفت مستتر است؛ چراکه روسیه می‌داند که استقلال کردستان عراق دومینویی از خواسته‌ها و تلاش‌های مشابه نه تنها از سوی کردهای سوریه، بلکه سایر گروه‌های قومی و مذهبی را در سوریه و عراق در پی خواهد داشت و این مسئله با دامن زدن به بی‌ثباتی منافع آن را نیز به خطر می‌اندازد. لذا در چارچوب معادله هزینه-فایده، دولت مردان کرملین متوجه این مسئله شده‌اند که در صورت موفقیت در تجزیه عراق حاکمیت ملی مورد نظر مسکو با خطر جدی مواجه شده و آمریکا و کشورهای اروپایی زمینه نفوذ خود را بیش از هر زمان دیگر فراهم می‌کنند. لذا در قالب این مدل تحلیل اگر بخواهیم هزینه‌های سیاسی روسیه را مورد بررسی قرار دهیم، باید این گونه بیان داشت که دولت روسیه با کشورهای منطقه از جمله ترکیه، ایران، سوریه و عراق همکاری همه‌جانبه دارد، لذا منافع به دست آمده از همکاری مذکور بیشتر از منافع در صورت استقلال کردستان عراق است. زیرا اگر از استقلال کردستان حمایت کند روابط با چهار کشور مذکور طبیعی به نظر می‌رسد که قطع شود و این برای سیاست خارجی روسیه به شدت مضر است. لذا با جبهه‌گیری این چهار کشور روسیه نیز با برنامه‌ها و راهبردهای سیاست خارجی آنها هماهنگ شد (Руслан, 2017). ولی به هر حال هزینه‌های سیاسی را که دولت روسیه در زمان همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ در غرب آسیا به آن وارد شد، باید مورد بررسی قرار دهیم. در ادامه به مهم‌ترین هزینه‌های سیاسی برای روسیه اشاره می‌کنیم.

اقلیم کردستان و توسعه نفوذ آمریکا

باتوجه به اینکه اوضاع غرب آسیا در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ به منظور استقلال اقلیم کردستان عراق مناسب نبود و درگیری‌ها با داعش با ائتلاف غربی ادامه داشت، دولت آمریکا زمان را برای برگزاری این فرآیند مناسب ندید و بیان داشت که این مسئله درگیری‌های قومی و مذهبی را در منطقه توسعه می‌دهد. این مسئله باعث می‌شود که جمهوری اسلامی ایران



که در ادوار مختلف با آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در تضاد راهبردی کامل بوده است با مشکلات امنیتی جدی ناشی از فعالیت گروه‌های تکفیری در صورت تضعیف حاکمیت عراق و همچنین نیروهای تجزیه‌طلب موجود در مرزهای غربی و شمال غربی که عمدتاً از طرف کاخ سفید حمایت می‌شوند، مواجه شود. سارا هوکابی سنדרز سخنگوی کاخ سفید گفت: "ما امیدواریم که عراق یکپارچگی خود را به‌منظور نابودی داعش حفظ کند". اما این در حالی بود که آمریکا در باطن و در ادوار مختلف زمینه را برای تجزیه عراق از طریق کمک‌ها و همکاری‌های خود به این منطقه فراهم کرده بود. لذا با توجه به وضعیت عراق و رقابت با روسیه و ایران به‌منظور نفوذ در این کشور موضع مخالفت خود را به‌صورت صوری بیان کرد. اما از آنجا که برای درگیری با داعش و از بین بردن این تروریست‌ها وابستگی زیادی به کردهای این منطقه داشت و در صدد نفوذ به اقلیم کردستان برای دستیابی به انرژی بود، ضمن اعلام مخالفت جزئی نفوذ خود را به این منطقه به نحو قابل چشمگیری توسعه داد که در صورت عملی شدن این همه‌پرسی به سمت استقلال از دولت مرکزی، یک تهدید جدی مانند ایجاد یک "رژیم صهیونیستی" جدید در مرزهای تهران ایجاد می‌شد و بعد از آن روابط راهبردی تهران - مسکو که در بحران سوریه تقویت شده بود به نحو قابل چشمگیری به سردی می‌گرایید (Zucchini, 2017: 2 - 9).

در بعد دیگر به راهبرد این کشور در عراق به‌منظور گسترش نفوذ در تمامیت ارضی کشور عراق باید اشاره‌ای داشته باشیم. دولت آمریکا همان‌گونه که بیان کردیم در زمان برگزاری فرماندم از این انتخابات حمایت نکرده و به دولت مردان اقلیم نیز اعلام کرد زمان برگزاری انتخابات با توجه به تنش‌های موجود، مناسب نیست؛ اما این هدفی جز تأیید سیاست خارجی آمریکا توسط دولت مرکزی بغداد نمی‌تواند داشته باشد. دولت مرکزی عراق بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ تحت کنترل و مدیریت اسلام‌گرایانی می‌باشد که با ایران رابطه دوستانه و راهبردی دارد. بنابراین، مخالفت کردن با استقلال اقلیم کردستان عراق در جهت یک‌صد شدن با دولت مرکزی عراق بود تا اینکه رابطه خود را با این کشور توسعه دهد و زمینه نفوذ ایران را در این کشور کاهش دهد. بنابراین، از آنجا که متحد اصلی روسیه در این منطقه ایران است، مسکو با عملی شدن این سیاست خارجی در حاشیه‌ای چشمگیر قرار می‌گرفت (Zhdannikov, 2017: 3 - 5).

- افزایش بی‌ثباتی سیاسی

تقویت نفوذ سیاسی در غرب آسیا و احیای میراث شوروی سابق در منطقه، مضاف بر آن، رقابت جدید روسیه و آمریکا موجب می‌شود روسیه تلاش کند به‌واسطه رابطه با کردها که برای استقلال تلاش می‌کنند، اهرم سیاسی قوی‌تری در غرب آسیا به‌دست آورد. گفتنی

است ژئوپلیتیک منطقه اقلیم کردستان عراق در مجاورت ترکیه، ایران، سوریه به همان نسبت که برای سایر قدرت‌های بین‌المللی جذاب است، برای روسیه هم قابل توجه است. روسیه به‌رغم افزایش مناسبات با ایران، ترمیم رابطه با ترکیه و حضور نظامی در سوریه، همچنان به‌دنبال یافتن شرکای بیشتر در منطقه است تا فرصت‌های خود در غرب آسیا و در نتیجه وزن خود در معادلات راهبردی منطقه را افزایش دهد. اما به‌نظر نمی‌رسد کردها در درازمدت مایل باشند و یا بتوانند با اعطای امتیازی به روس‌ها نسبت به حمایت احتمالی آنها برخلاف روند بین‌المللی امیدوار باشند. زیرا ضمن اینکه موضوعات و مسایل روسیه با امریکا افزایش یافته، هرگونه فرایند بی‌ثباتی در غرب آسیا منافع روس‌ها را هم تهدید می‌کند.

در زمان برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان، نیروهای پیشمرگه مستقر در کرکوک، با نیروهای بسیج مردمی در عراق و به‌عبارت‌دیگر ارتش این کشور درگیر شده و به نوعی خود یک بحران جدید در عراق به‌شمار می‌رفت. کردهای این منطقه در انتظار حمایت نظامی امریکا از آنها در مقابل این‌گونه حملات بود؛ وقتی آن‌گونه که بیان کردیم نشد، پیشمرگه‌های اقلیم مجبور شد که کرکوک را ترک و به مناطق کردنشین خود عقب‌نشینی کند. این بی‌ثباتی از دو جهت منافع روسیه را با مشکل جدی مواجه کرد: اولاً باعث شد که راهبردهای مسکو به‌منظور همکاری با کردهای عراق برای دستیابی به انرژی آنها با مشکل جدی مواجه شود؛ چراکه کرکوک یک استان نفت‌خیز به‌شمار می‌رود که در اختیار دولت مرکزی قرار گرفت و دوماً قدرت منسجم عراق به‌منظور مبارزه با تروریست‌های افراطی تضعیف شد. در بعد دیگر، نیروهای تجزیه‌طلب و تروریست که در مرزهای ایران درصدد رسیدن به اهدافی نظیر اربیل در ادوار مختلف بوده‌اند، این شکست همه‌پرسی را نتیجه همکاری دولت مرکزی عراق و ایران می‌دانستند و باعث می‌شود که در آینده مشکلات امنیتی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند (Austin Holmes, 2019: 1 - 3).

این موضوع حتی باعث شد که رابطه اربیل با دولت مرکزی به سمت درگیری نظامی بیشتر و در سطح کلان‌تری سوق پیدا کند که با میانجی‌گری کشورهای منطقه از این مسئله جلوگیری شد. این مسئله با سیاست عملگرایی روسیه که درصدد بود با همه نیروهای درگیر رابطه مثبتی داشته باشد، در تعارض کامل بود. با توجه به پیچیدگی واقعیت‌ها در غرب آسیا، این راهبرد باعث ایجاد توازن میان همه بازیگران مهمی شده بود که همه‌پرسی استقلال‌طلبی اقلیم کردستان عراق باعث شد جبهه‌بندی خلاف انتظار مسکو و منافع آن در منطقه ایجاد شود. زیرا روسیه شرکای سیاسی‌اش را به تمرکز بر موضوعاتی در این منطقه ترغیب می‌کرد که منجر به همکاری و نه کشاندن آن به اختلافات منطقه‌ای شود. براین‌اساس، این کشور باتوجه‌به روابط هم‌زمان مثبتش با ایران،



ترکیه، سوریه، عربستان، مصر و رژیم صهیونیستی کاندیدای مناسبی برای میانجی‌گری در این منطقه بود که انتخابات اربیل این نقش روسیه را کم‌رنگ کرده و کشورهای منطقه از جمله ایران - ترکیه و سوریه ائتلافی مبنی بر جلوگیری از تجزیه کشورهای منطقه ایجاد کردند که روسیه را مجبور به حمایت از آنها می‌کرد. لذا در این صورت سایر کشورهای دوست روسیه نظیر رژیم صهیونیستی و خود منطقه خودمختار اربیل از این راهبرد مسکو استقبال نکردند.

کاهش نقش ثبات‌ساز روسیه در غرب آسیا

روسیه با از بین بردن داعش توسط نیروهای ائتلاف توسط ایران - عراق - سوریه - لبنان و مسکو، در صدد بود که یک نقش ثبات‌ساز را برای خود در عرصه نظام بین‌المللی ایجاد کند. اما همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق این آرمان روسیه را با مشکلات جدی مواجه کرد؛ چراکه جدا از درگیری‌های ایجاد شده در کرکوک که در مطالب فوق به آن اشاره کردیم، باعث شد که نقش امریکا در بغداد با توجه به کمک‌های اقتصادی و نظامی به این کشور دوچندان شده و نقش مسکو کمتر شود. زیرا عراق به منظور مدیریت این تنش‌هایی که هم در زمینه تحرکات داعش و هم در زمینه همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان برای آن ایجاد شد به کمک‌های نظامی و اقتصادی قابل توجهی نیازمند بود. لذا از سال ۲۰۱۷ که همه‌پرسی این منطقه برگزار شد، عراق ۳,۷ میلیارد دلار کمک اقتصادی و نظامی از امریکا دریافت کرده است. این به معنای توسعه نفوذ واشنگتن در عراق بود که باین وجود، نقش جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت مرزهای امنیتی خود و مدیریت تنش‌های موجود در غرب آسیا به عنوان یک ستون محکم از ائتلاف مسکو - تهران - دمشق به نحو قابل توجهی کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد که آسیب‌هایی که به منافع امریکا در منطقه از سوی ایران به‌ویژه در عراق ایجاد شد، نتیجه این بحث باشد که به ترور سردار سلیمانی به عنوان چهره تأثیرگذار بر ساقط کردن جریان‌های تکفیری شناخته شده است، منجر شد (Khan, 2020: 1 - 7).

لذا به منظور جلوگیری از این مسئله یعنی پررنگ شدن نقش امریکا و کاهش نقش ثبات‌ساز روسیه در این منطقه به‌ویژه عراق، مقامات روسیه بیانات مهمی را ارائه کردند که مهم‌ترین آنها اطلاعیه لاووروف^۱ و وزیر امور خارجه این کشور در زمان برگزاری همه‌پرسی^۲ بود. در این مورد گفت که "اربیل"^۳ در زمان اتخاذ تصمیمات نهایی، نتایج سیاسی^۴،

1. Lavurov
2. Hold a referendum
3. Erbil
4. Political results

ژئوسیاسی^۱، دموگرافی^۲ و اقتصادی این اقدام را در نظر بگیرد؛ باتوجه به اینکه مسئله کردستان از مرزهای کنونی عراق تجاوز کرده و در اوضاع برخی کشورهای همجوار تأثیر می‌گذارد و مسأله کردستان نقش مهم و جایگاه بارزی در چارچوب روند حل‌وفصل بحران‌های کنونی منطقه دارد^۳. این بیانات به این معناست که روسیه تلاش می‌کند که نقش میانجی‌گر^۴ در منطقه برای خود قائل شود، تا اینکه منافع ملی خود را تأمین کند. اما اصرار بر برگزاری انتخابات توسط مقامات منطقه خودمختار کردستان عراق^۵ باعث شد که نقش روسیه به سمت یک کشور عادی سوق پیدا کند.

در این باره باید به این نکته نیز اشاره کنیم که در زمان برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، امنیت کل منطقه به‌ویژه ایران و سوریه را با خطراتی که قبلاً به آن اشاره کردیم، مواجه می‌کرد. به این معنا که مسکو بر این امر واقف بود که همه‌پرسی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق می‌تواند ناامنی را در غرب آسیا^۶ به صورت جدی توسعه دهد و همکاری‌های کرملین^۷ را با ائتلاف مقاومت^۸ با خطراتی جدی مواجه کند. به همین منظور در آن برهه از زمان دولت‌مردان مسکو ثبات را یکی از مهم‌ترین اصولی دانستند که باید در منطقه توسط کشورها و همچنین مقامات کرد مورد توجه ویژه قرار گیرد. ضمن تمام تلاشی که روسیه در این زمینه انجام داد همه‌پرسی مذکور برخلاف در نظر گرفتن ثبات سیاسی و امنیتی^۹ مورد نظر مسکو و هم‌پیمانان انجام شد و این مسئله به معنای این بود که روسیه فعلاً قدرت ثبات‌سازی در غرب آسیا^{۱۰} به مانند آمریکا را ندارد و باید بیش از گذشته به توسعه نفوذ خود جهت رسیدن به این آرمان بیندیشد؛ چراکه کشورهای هم‌پیمان با مسکو از جمله ایران با این وجود خود درگیر نیروهای اپوزیسیون داخلی^{۱۱} می‌شد که در مقابل کشورهای هم‌پیمان کاخ سفید نظیر عربستان - رژیم صهیونیستی بحران را به سایر کشورهای منطقه ارسال می‌کردند و خود در امنیت کامل بودند.

توسعه تحرکات تجزیه‌طلبی^{۱۱}

برگزاری همه‌پرسی استقلال طلبی در اقلیم کردستان عراق را که سابقه‌ای طولانی در

1. Geopolitics
2. Demographics
3. The role of the mediator
4. Autonomous Region of Iraqi Kurdistan
5. Middle East
6. The Kremlin
7. Coalition of Resistance
8. Political and security stability
9. The power of stabilization in the Middle East
10. Internal opposition forces
11. Development of separatist movements



تاریخ مبارزات احزاب سیاسی^۱ این منطقه دارد می‌توان به‌عنوان یک روند نخبه‌محور^۲ یاد کرد. به‌این‌معناکه نخبگان سیاسی این منطقه به‌منظور افزایش قدرت چانه‌زنی^۳ خود در برابر دولت مرکزی از این مسئله استفاده کردند که نمونه دیگر این موضوع بحث استقلال‌طلبی کاتالان‌ها^۴ در اروپا و اسپانیاست. این بحث در سال ۱۳۵۸ در ایران هم رخ داد و هنوز هم این خطرات امنیتی برای تهران به‌عنوان یکی از دوستان مسکو در غرب آسیا، وجود دارد که نیروهایی نظیر پژاک، پ.ک.ک، کومله و دموکرات می‌توانند با استفاده از این مسئله امنیت مرزهای ایران را با خطرات جدی مواجه کنند. با قدرت‌گیری این روندهای سیاسی و استفاده‌کردن از این ابزار سایر اقوامی که در نقاط مختلف از دولت مرکزی خود ناراضی هستند، می‌توانند الگوبرداری کنند و به‌عبارتی تنش‌های سیاسی و قومیتی^۵ را توسعه دهند (O'Driscoll & Baser, 2019: 1 - 9).

نمونه بارز اندیشه تجزیه‌طلبی^۶ جدا از مناطق هم‌مرز عراق، نواحی نظیر چچن^۷ است. روسیه یک هراس ویژه از تنش مجدد با این منطقه به مانند سال ۲۰۰۰ دارد که پوتین^۸ این تنش‌ها را به محض روی‌کارآمدن با هزینه‌های قابل‌توجه مدیریت کرده بود. برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق برای روسیه و مناطقی که به این کشور، عرق ملی ندارند یک پیام مهمی بود که می‌تواند برای مسکو تکرار شود. به‌این‌معناکه مردم اسلام‌گرا چچن که نسبت به روسیه هیچگونه عرق ملی ندارند و یا درصد تجزیه و ایجاد یک کشور مستقل اسلامی^۹ برای خود هستند، می‌توانند از روند استقلال‌طلبی کردستان عراق به‌عنوان یک الگوی سیاسی استفاده کنند و روسیه را با توجه به بحران‌های سنگینی که در غرب آسیا و کریمه با آن روبه‌روست، با مشکلات امنیتی - سیاسی جدی مواجه کند؛ چراکه برای رسیدن به منافع ملی خود یعنی رسیدن به قدرت زمان اتحاد جماهیر شوروی نیازمند متحدان قدرتمندی مانند ایران است که در امنیت کامل باشند. درحالی‌که همه‌پرسی مذکور این امنیت را با توجه به گروه‌های مأمور شده توسط آمریکا از این کشور سلب می‌کند و دوم اینکه باید تمامیت ارزی خود را در مقابل هر گونه تهدید حفظ کند که باز تجزیه‌طلبی، این مشکلات جدی را برای مسکو در مرزهای خود ایجاد کرده است

-
1. History of the struggles of political parties
 2. Elite-oriented trends
 3. Increase bargaining power
 4. Catalan independence
 5. Political and ethnic tensions
 6. The idea of separatism
 7. Chechen
 8. Putin
 9. Independent Islamic country

(Grove, 2014: 2 - 6).

تنش‌های تجزیه‌طلبی که در ادوار مختلف روسیه را با مشکلات امنیتی روبه‌رو کرده است، امروزه نیز باتوجه‌به حمایت‌هایی که به‌نظر می‌رسد کشورهای غربی و منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز از آنها می‌کند، می‌تواند برای خود یک زنگ خطر جدی باشد. آنچه که می‌توانیم در این مورد به آن اشاره کنیم این است که امروزه رقابت مسکو با رقبای دیرینه خود یعنی امریکا و کشورهای اروپایی نسبت به چند دهه اخیر دوچندان شده و این مسئله ممکن است از طرف رقبای مذکور به‌عنوان ابزار فشار سیاسی بر مسکو مورد استفاده قرار گیرد و همه‌پرسی اربیل بر این مسئله صحنه جدی گذاشته است؛ یعنی یک روند تجزیه‌طلبی قابل‌توجهی را برای قومیت‌ها و احزاب سیاسی آنها که در نقاط مختلف هستند، به‌صورت عادت سیاسی ایجاد کرده است.

فایده‌ها

تجارت تسلیحاتی

از سال ۲۰۰۰ و بعد از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، این رئیس‌جمهور در پی بازگرداندن تصویر روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ در زمینه ضداستعمار و استکبار غربی بود. به‌همین‌منظور نقاط حساس جهان از جمله غرب آسیا را که سرشار از نفت و گاز است، مورد توجه قرار داد و به‌منظور رسیدن به این هدف از راهبرد سیاست خارجی وزیر خارجه سابق این کشور یعنی پریماکوف "جهان چندقطبی" استفاده کرد که ناشی از تمایل برای جلوگیری از تسلط غرب بر غرب آسیا همچنین ممانعت از حمایت غرب از تلاش‌های دموکراتیک‌سازی در کشورهای دیگر است. در طول ۱۷ سال گذشته، پوتین تلاش کرد تا با تأکید بیشتر بر منافع تجاری روسیه در درجه اول تسلیحات، انرژی و کالاهای پیشرفته مانند رآکتورهای هسته‌ای، نفوذ سیاسی خود را توسعه دهد و روسیه را به وضعیت رقیب با امریکا بازگرداند (Borshchevskaya, 2017: 1 - 5).

مهم‌ترین بخشی که در این رقابت بین روسیه و امریکا قابل رؤیت است، بحث تجارت تسلیحاتی است؛ چراکه مسکو در بعد تسلیحات و تجارت صنایع دفاعی، یک قدرت قابل‌توجه کسب کرده است. اما در بعد دیگر اقتصاد روسیه به مواد اولیه و منابع طبیعی متکی می‌باشد. با شروع بیداری اسلامی و تنش‌های غرب آسیا فعالیت قابل‌توجهی از دولتمردان روسیه به‌منظور رسیدن به این مهم آغاز شد. کشور عراق به یک نمونه بارز از خریداران تسلیحاتی به‌منظور درگیر شدن با نیروهای تکفیری - تروریستی داعش تبدیل شد. لذا باتوجه‌به تحریم‌هایی که کشورهای غربی در ابعاد مختلف برای روسیه ایجاد کرده بودند غرب آسیا به‌ویژه عراق باعث کم‌کردن فشارهای اقتصادی غرب بر مسکو از طریق



تجارت تسلیحاتی شدند (Borshchevskaya, 2017: 3 - 5).

با مخالفت روسیه نسبت به همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق براساس مقتضیات آن زمان سیاست خارجی مسکو، عراق به مانند ایران روسیه را یک شریک تجاری و اقتصادی برای خود در زمینه‌های مختلف دانست. به عبارت دیگر، این‌گونه باید بیان داشت که همکاری کردن با بغداد در زمینه حفظ تمامیت ارضی این کشور این امکان را به روسیه داد که بتواند با قدرت بیشتری همکاری‌های خود را با کشورهای عراق - سوریه و ایران توسعه دهد. البته شایان ذکر است که به نظر می‌رسد رقابت امریکا و روسیه در غرب آسیا به منظور تجارت تسلیحاتی و اقتصادی، مزید بر این مسئله شده و کشور روسیه را به منظور نفوذ هرچه بیشتر در منطقه غرب آسیا و کشورهای درگیر در بحران از جمله سوریه و عراق، ترغیب کند.

همان‌گونه که در مطالب فوق به آن اشاره کردیم، روسیه به صورت واضح و شفاف حتی مانند کشورهای غربی نسبت به همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق واکنش در جهت مخالفت نشان نداد، ولی با توجه به مقتضیات زمانی به مقامات این منطقه توصیه کرد که زمان مناسب برای برگزاری این مسئله نیست. با توجه به این رویکرد و راهبرد هزینه - فایده، مسکو هم از استقلالی که هم‌پیمانان روسیه نظیر ایران و ترکیه در غرب آسیا را با خطرات جدی مواجه می‌کرد، جلوگیری کرد؛ هم بر دامنه نفوذ خود در این منطقه افزود (Iddon, 2020: 1).

تقویت حاکمیت ملی عراق

با شروع بحران عربی در غرب آسیا، حاکمیت ملی عراق با مشکلات امنیتی جدی مواجه شده بود. بعد از مدت قابل توجهی از درگیری با داعش و کمک‌های منطقه‌ای و فرمانطقه به منظور شکست این نیروی تروریستی و بسیج عمومی و نبرد چشمگیری که کردهای این کشور با داعش داشتند، این نیرو ساقط شد. لذا بعد از ساقط شدن تقریبی این تروریست‌های تکفیری منطقه کردنشین این کشور درصدد رسیدن به هدف دیرینه خود یعنی رسیدن به استقلال برآمدند. این به معنای یک ضربه مهلک به حاکمیت ملی عراق بود، اما با گذشت زمان و مخالفت‌های داخلی و خارجی این همه‌پرسی با شکست جدی مواجه شد. لذا دولت عراق به منظور تقویت قدرت داخلی خود یا به عبارت دیگر تقویت حاکمیت ملی خود تلاش کرد که همکاری‌هایی را که با کشورهای همسایه از جمله ایران و ترکیه داشت، دوچندان کند. این مسئله باعث شد که همکاری‌های مرزی این کشورها در منطقه توسعه پیدا کند و نگرانی در بعد امنیتی برون مرزی نداشته باشد (Taib Menmy, 2020: 2).

دو کشور ایران و ترکیه نیز در این بعد همکاری‌های خود را توسعه دادند؛ چراکه دارای جمعیت قابل توجهی از مردم کردزبان هستند و این مسئله باعث ایجاد یک الگوی استقلال طلبی در منطقه تبدیل می‌شد. به همین منظور، دولت ایران با توجه به میزان و حجم همکاری که با بغداد در زمان درگیری با داعش داشت، از این میزان نفوذ و قدرت مانور خود در این کشور استفاده کرد و نیز از آنجاکه روسیه با ایران در ساقط کردن نیروهای تکفیری در عراق و سوریه متحد و همفکر بود، دو کشور به منظور جلوگیری از تجزیه عراق به همراه ترکیه فضای همکاری و ائتلاف ایجاد کردند و به نوعی می‌توان گفت تا این زمان مثمرتر بوده است. بنابراین، با همکاری روسیه و ایران بغداد با خیال آسوده‌تری امنیت خود را با قدرت بیشتر تحکیم بخشید.

در بعد دیگر دولت اقلیم کردستان عراق از نظر اقتصادی یک سیستم موجد فساد را دارا بود. به همین منظور مسعود بارزانی نخست‌وزیر این منطقه بیان کرد که میزان بدهی‌های این منطقه، ۲۷ میلیارد دلار است. در حالی که میزان درآمد نفتی قابل توجهی را قبل از برگزاری همه‌پرسی کسب می‌کرد. اما بعد از برگزاری همه‌پرسی دولت مرکزی محدودیت صادرات را برای این منطقه در نظر گرفت و شفافیت اقتصادی را یکی از مهم‌ترین شروط خود به منظور حل این محدودیت‌ها بیان کرد. لذا با این اقدام بود که دولت مرکزی بغداد درآمدهایی را که قبلاً به شکل اشرافیتی در این منطقه مصرف می‌شد، بلوکه کرد و برای تقویت بنیه اقتصادی خود استفاده نمود (2: Taib Menmy, 2020).

شکست داعش و نیز جلوگیری از تجزیه عراق در منطقه با تلاش‌های بی‌وقفه ایران با استفاده همگرایی دوستانه و دوجانبه‌ای که به بغداد دارد، ضمن نشان دادن قدرت بلامنازع جمهوری اسلامی ایران، مسکو نیز با همکاری و تقویت ائتلاف خود با جبهه مقاومت به رهبری تهران نفوذی قابل توجهی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در غرب آسیا به دست آورد. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد اقتدار تهران در منطقه به این شکلی که در تصمیم‌گیری‌های مهم منطقه تأثیر قابل توجهی را از خود نشان داده است و نیز نفوذ مسکو به عنوان یکی از رقبای دیرینه کشورهای غربی به ویژه آمریکا، باعث ناخشنودی این کشور و متحدان منطقه‌ای آن از جمله رژیم صهیونیستی شد. لذا درصدد برآمدند که واکنشی نسبت به این مسئله از خود در قالب ترور سردار سلیمانی نشان دهند. اما در این راهبرد مجدداً آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای آن، موفق نشدند؛ چراکه به رغم ترور ناجوانمرانه سردار سلیمانی، پارلمان عراق ضمن محکوم کردن این اقدام حمایت‌های ایران را در زمان بحران و همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق را فراموش نکرده بود. لذا در برابر این ترور دستور خروج نیروهای نظامی آمریکا از خاک عراق را صادر کرد. با ایجاد چنین فضایی، مسکو نیز



ضمن محکوم کردن ترور سردار سلیمانی یکی از چهره‌های تأثیرگذار در زمان بحران‌های عراق و سوریه، خود را به یکی از مهم‌ترین کشورهای مبارز با تروریسم در کنار کشورهای عضو جبهه مقاومت به رهبری ایران تبدیل کرد. لذا قدرت حاکمیت مرکزی عراق که بعد از فراندوم اربیل دوچندان شده بود باعث شد که روسیه آن‌گونه که نئوآوراسیاگراها به رهبری ولادیمیر پوتین درصدد رسیدن به آن هستند، به‌وقوع بپیوندد (Talbot & Tennis, 2020).

توسعه نفوذ

روسیه در جنگ علیه نیروهای داعش در عراق و سوریه دستاوردهای قابل توجهی کسب کرده است. این کشور برای تقویت موقعیت خود در شرق مدیترانه همکاری با کشورهای مهم غرب آسیا از جمله ایران - عراق - ترکیه، همچنین افزایش نیروهای دریایی و سرمایه‌گذاری معتبر ۵۰۰ میلیون دلاری برای گسترش تأسیسات دریایی خود در طرطوس و ایجاد ائتلاف با جمهوری اسلامی ایران از پیروزی استفاده کرده و نیز میزان توسعه‌طلبی‌های خود را افزایش داده است. توسعه نفوذ مسکو در غرب آسیا به‌منظور جلوگیری از طرح تجزیه غرب آسیا کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن باعث شده که امروزه میزان نفوذ خود را در کشورهای مهم غرب آسیا از جمله سوریه - ایران - عراق به گونه‌ای توسعه دهد تا در آینده بتواند به‌راحتی منافع ملی خود را در مقابل امریکا تعریف و از آن دفاع کند (Dunne, 2020: 1 - 3).

این مسئله در حالی می‌باشد که نفوذ روسیه در خارومیانه برای مدت قابل توجهی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فقط در حد یک آرمان برای دولت‌مران آن باقی مانده بود و کشورهای غربی هرگز اجازه توسعه‌طلبی به مسکو در غرب آسیا را نمی‌داد. اما با شروع بحران‌های اخیر غرب آسیا و بی‌اعتباری راهبردهای سیاست خارجی امریکا در منطقه و عدم اعتماد به آن، کشورهای این منطقه از جمله ایران، سوریه و عراق به‌منظور مدیریت تنش‌ها و مشکلات امنیتی ایجادشده در نتیجه فعالیت نیروهای تکفیری و تروریستی راهبرد "نگاه به شرق" را در دستور دستگاه دیپلماسی خود قرار دادند. این موضوع باتوجه به دیپلماسی فعال مسکو در زمان برگزاری هم‌پرسی اقلیم کردستان عراق، دوچندان شده و کشورهای مذکور به‌منظور جلوگیری از تجزیه دولت مرکزی خود همکاری خود را که زمینه نفوذ بیشتر مسکو را فراهم می‌کند، توسعه دادند.

نتیجه‌گیری

تحلیل هزینه - فایده که در این پژوهش به‌عنوان یک مبنای نظری از آن استفاده شد، روشی نظام‌مند برای تخمین نقاط قوت و ضعف جایگزین‌هایی است که معاملات،

فعالیت‌ها یا ملزومات کارکردی یک کسب‌وکار را برآورده می‌کند. این روش تکنیکی است که برای تعیین گزینه‌هایی به کار می‌رود که از لحاظ صرفه‌جویی در کار، زمان و هزینه بهترین مزایا را ارائه دهند. این تحلیل، همچنین به‌عنوان فرایندی نظام‌مند برای محاسبه و مقایسه مزایا و هزینه‌های یک پروژه، تصمیم یا سیاست دولتی تعریف شده است.

به‌همین منظور، در شرایط بحرانی که خطرات قابل توجهی منافع ملی کشورهای مختلف در نقاط مختلف را تهدید می‌کند، دستگاه دیپلماسی آن کشورها درصد تخمین میزان هزینه و فایده آنها هستند. می‌توان معادله هزینه - فایده را در دستگاه سیاست - خارجی مورد استفاده قرار داد. با توجه به میزان تنش‌ها و درگیری‌هایی که در منطقه غرب آسیا وجود دارد، هر کشوری که در این منطقه منافع ملی خود را در خطر می‌بیند، تلاش دارد که میزان هزینه و فایده آن را مورد توجه خود قرار دهد تا با کمترین هزینه امنیت و منافع ملی خود را تأمین کند. در سال ۲۰۱۷ همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق به‌منظور استقلال از این کشور بیش از هر دوره دیگر برای کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای وضعیتی را ایجاد کرد تا با استفاده از یک معادله کاربردی، راهبرد سیاست خارجی خود را به‌منظور رسیدن به منافع ملی تنظیم کنند. این ابزار کاربردی، راهبرد هزینه - فایده بود.

چراکه از یک‌طرف در صورت استقلال اقلیم کردستان از عراق کشورهایی که امروزه در غرب آسیا ذی‌نفع هستند، می‌توانستند با آنها به‌عنوان یک دولت مستقل مراودات اقتصادی داشته باشند و از طرف دیگر اگر عراق تجزیه نشود، هم می‌توانند با عراق همکاری همه‌جانبه داشته باشند و هم با کشورهایی که با بغداد مراودت اقتصادی سیاسی دارند. یکی از مهم‌ترین کشورهای فرمانطقه‌ای که از معادله مذکور به‌منظور تأمین منافع ملی خود بهره برد، مسکو بود. روسیه از معادله مذکور به این خاطر استفاده کرده که اگر اقلیم کردستان عراق بتواند در شرایط فعلی استقلال خود را تأمین کند، می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در این منطقه و به‌ویژه در زمینه نفت و گاز توسعه دهد. اما با توجه به اینکه شرایط فعلی غرب آسیا هرگز جایی برای ایجاد یک بحران تازه با رویکردی جدید را ندارد، مسکو نیز به‌منظور همکاری با کشورهای دوست، رویکردی دوپهلوی را نسبت به این فرایند اتخاذ کرد.

روسیه اگر به‌صورت مستقیم از این همه‌پرسی دفاع می‌کرد، باید همکاری‌های خود با ایران، ترکیه و عراق در غرب آسیا را خاتمه یافته می‌دید؛ چراکه هم دارای جمعیت قابل توجهی از کردها هستند و هم با هم یک ائتلاف و همکاری به‌منظور جلوگیری از توسعه‌طلبی‌های داعش در عراق و سوریه ایجاد کرده‌اند. دولت‌مردان روسیه با اتخاذ راهبرد دوپهلوی سعی در افزایش میزان نفوذ خود در غرب آسیا از طریق همخوانی راهبرد با



کشورهای همسایه عراق داشته و این مسئله سبب توسعه تجارت تسلیحاتی و نیز تجارت و میزان سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زمینه انرژی در این منطقه شده است.

البته با توجه به میزان ناامنی‌هایی که در ادوار مختلف در غرب آسیا ایجاد شد، کشور روسیه به تنهایی و به صورت انفرادی به هیچ‌عنوان حاضر به مدیریت تنش‌های غرب آسیا که لازمه توسعه نفوذ آن است، هم به منظور سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی هم به منظور توسعه نفوذ سیاسی مانند زمان اتحاد جماهیر شوروی نمی‌شد. به همین منظور با استفاده از جایگاه قابل توجه جمهوری اسلامی ایران درصدد رسیدن به این مهم بود که این روند تا به امروز نیز ادامه دارد. در زمان همه‌پرسی جدا از اینکه یک روند امتیازگیری از دولت مرکزی در غرب آسیا و کشورهای آسیای میانه ایجاد کرده بود، امنیت کشورهای که لازمه رسیدن به اهداف نئو اوراسیا گراها مبنی بر رسیدن به قدرت زمان اتحاد جماهیر شوروی بود، نظیر ایران با مشکلات جدی مواجه می‌شد؛ چراکه با درگیری احزاب ضدانقلاب کردی نظیر پژاک در قالب پارت آزادی کردستان در مرزهای غربی و شمال غربی ایران با نیروهای تکفیری داعش، یک ردپایی میان مردم کرد ایران برای خود ایجاد کرده‌اند و نمونه آن "حسین یزدان‌پناه" رئیس گروه تروریستی سپاه ملی کردستان است. این همه‌پرسی و روحیه استقلال‌طلبی را بین این احزاب به صورت جدی بالا برد و باعث شد که این حزب از سایر اقوام ایران به منظور توسعه افراد خود نیرو جذب کند تا میزان قدرت عملیاتی خود را توسعه دهند. این به معنای عدم امنیت تقریبی جمهوری اسلامی ایران بود. لذا روسیه از این مسئله بیش از هر کشور دیگری ضربه می‌خورد؛ چراکه نیروهای تروریستی موجود در غرب ایران، ممکن است توسط دولت‌های متولی آنها نظیر آمریکا و رژیم صهیونیستی به صورت ابزار فشار بر تهران فعالیت کنند که به نوبه خود هم برای تهران و هم برای مسکو خطر آفرین هستند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- خانی، محمدحسن و صادقی، محمدمسعود (۱۳۹۲)، تحلیل هزینه - فایده راهبرد حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س دوم، ش ۶: ۱۴۸ - ۱۴۷.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۶)، گزارش از تحولات شمال عراق در رده ۱۹۹۰، مجله سیاست دفاعی، س ششم، ش ۱ و ۲ پاییز و زمستان.

- Akreyi, Minhaj, (2017), why we should vote 'yes' in the Kurdistan referendum, Available at: <http://www.rudaw.net/english/analysis/05082017>.

- Austin Holmes Amy (2019). "Turkish Hostility and American Betrayal in Syria Creates New Crisis for Kurds." The National Interest, October 16, 2019.

- Dunne Charles W(2020). "Russia Has Limits on Its Influence in the Middle East". Available at: http://arabcenterdc.org/policy_analyses/russia-has-limits-on-its-influence-in-the-middle-east. Accessed on: 10, march, 2020.

- eter Landau(2018). "Cost Benefit Analysis for Projects A Step-by-Step Guid", Available in: <https://www.projectmanager.com/blog/cost-benefit-analysis-for-projects-a-step-by-step-guid>.

- Foy Henry(2018). "Rosneft's Iraqi Kurdistan oil and gas play angers Baghdad". Available at: <https://www.ft.com/content/ace52dd2-4f0c-11e8-ac41-759eee1efb74>. Accessed on: october, 30, 2018.

- Frantzman, j, (2017). Kurdistan hopes Referendum will bring Stability, but Can it Convince the world? Available at: <http://www.jpost.com/International/Kurdistan-hopes-referendum-will-bring-stability-but-can-it-convince-the-world-501561>.

- Grove Thomas(2014). "Chechens offer weary welcome to new Crimean compatriots". Available at: <https://www.reuters.com/article/us-ukraine-crisis-russia-chechnya/chechens-offer-weary-welcome-to-new-crimean-compatriots-idUSBREA2T07R20140330>. Accessed on: 30, march, 2014.

- Hiltermann Joost (2017). "What Did the Kurds Get Out of the Referendum?", Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/09/kurds-iraq-barzani-isis-referendum/541260>. Accessed on: 24 September 2017.

- Hashem Ali (2017). "Iran sees challenge of Kurdish referendum as opportunity", Available at: <https://www.almonitor.com/pulse/originals/2017/10/irankrgreferendutreat-opportunity-turkey-iraq-kirkuk.html>. Accessed on: 10 october 2017.

- Iddon Paul(2020). "Iraqi Kurds Make Do With Antiquated Tanks And 'Mad Max'-Style Improvised Armored Vehicles". Available at: <https://www.forbes.com/sites/pauliddon/2020/07/24/iraqi-kurds-have-to-make-do-with-antiquated-armor/#3cc3b3853426>. Accessed on: 24, Jul.

- International Crisis Group(2019). "After Iraqi Kurdistan's Thwarted Independence Bid. Backlash to the 2017 independence referendum bolstered family rule within Iraq's two main Kurdish parties. Internal democracy has eroded; ties between the parties have frayed. Only strong institutions in Erbil and renewed inter-party cooperation can help Iraqi Kurdistan to reach a sustainable settlement with Baghdad on outstanding issues". Avenue Louise 149 • 1050 Brussels, Belgium Tel: +32 2 502 90 38 • Fax: +32 2 502 50 38 brussels@crisisgroup.org Preventing War. Shaping Peace.



– KhanSabahat (2020). “Could Russia move to counterbalance the US in Iraq?”. Availableat: <https://thearabweekly.com/could-russia-move-counterbalance-us-iraq>. Accessedon:2020/1/19.

– Мамедов, Руслан (Августа 9, 2017) "После Ракки: все взгляды на Восток Сирии". Российский совет по международным делам: РСМД. HTML: http://russiancouncil.ru/analytics-and-comments/analytics/posle-rakki-vse-vzglyady-na-vostok-sirii/?sphrase_id=688326.

– O’DriscollDylan&Baser Bahar (2019). “Independence referendums and nationalist rhetoric: the KurdistanRegionofIraq”. Availableat: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/01436597.2019.1617631>. Accessedon:28, May, 2019.

– SmekalovaMaria (2018). “Iraqi Kurdistan — Russia Relations Do Not Come at the Expense of Baghdad”. Availableat:<http://www.meri-k.org/iraqi-kurdistan-russia-relations-do-not-come-at-the-expense-of-baghdad>. Accessedon:23,Decemberd, 2018.

– Suchkov Maxim A(2018). “Between Baghdad and Erbil: Russia’s Balancing Act in Iraq”. Availableat: <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2018/05/03/between-baghdad-and-erbil-russiasbalancing-act-in-iraq>. Accessedon:28 March 2018.

– Taib MenmyDana(2020). “Independence for Iraq's Kurdish region has proved a costly mistake”. Availableat:<https://www.middleeasteye.net/opinion/should-iraqs-kurdish-region-return-arms-baghdad>. Accessedon:7, August, 2020.

– TalbottStrobe & TennisMaggie(2020). “The only winner of the US-Iran showdown is Russia”. Availableat:<https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/09/the-only-winner-of-the-us-iran-showdown-is-russia/>. Accessedon: 9,January, 2020.

– Thayer Watkins& et alii, anintroductiontocostbenefitanalysis, San José State University Department of Economics.

– WillKenton,(2019).“CostBenefitAnalysis”,Availableat:<https://www.investopedia.com/terms/c/cost-benefitanalysis.asp>.

– Zhdannikov Dmitry(2017). “Russia becomes Iraq Kurds' top funder, quiet about independence vote”. Availableat:<https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisiskurdsreferendumrussi/russia-becomes-iraq-kurds-top-funder-quiet-about-independence-vote-iduskcn1bv1ih>

– ZucchiniDavid(2017). “As Kurds Celebrate Independence Vote, Neighbors Threaten Military Action”. Availableat:<https://www.nytimes.com/2017/09/25/world/middleeast/kurdsreferendum.html>. Accessedon: . 25, Sept, 2017.

Russia's Foreign Policy Strategy Refarding the Referendum In Iraqi State of Kurdistan

*Abu Mohammad Asgarkhani*¹

*Mahdi Padravand*²

*Dariyoosh Hooshmand Nanekaran*³

Holding of a referendum on the independence of the Iraqi State of Kurdistan in 2017 provoked a wave of regional and trans-regional reactions. Regional reactions, obviously, were from the governments of Iran, Turkey and Syria. The most important trans-regional reactions including Russia and Western countries. This descriptive-analytical research aims at assessing Russia's foreign policy strategy as a trans-regional country, as well as collecting relevant data from articles and books. The main question of the research involves Russia's foreign policy strategy towards the independence referendum in the state of Kurdistan of Iraq. Based on the cost-benefit equation and the instrumental-tactical approach, the research hypothesizes that although Moscow did not take a clear position during the referendum on the independence of the Iraqi Kurdish state, Russia opposed the issue in practice. Th the main concern of Russia for opposing the referendum regarded short-term, medium-term and long-term concerns. Alliances and cooperation with Iran and Turkey, and strengthening the Iraqi central government, included the reasons why Russia consulted the Iraqi Kurdistan Autonomous Region to postpone the referendum. Other concerns regarded the weakening of national sovereignty, development of extremists, jeopardizing Russia's stabilizing role in the region, and further US interventions in the region, creating security problems on Iran's borders as Moscow's most important ally, and abolishing any separatist activity both inside and outside the borders.

Keywords

Russian foreign policy, referendum on the independence of the Iraqi state of Kurdistan, security of the Islamic Republic of Iran, cost-benefit equation, instrumental-tactical approach

-
1. Associate professor of international relations University of Tehran, Iran
asgarkha@ut.ac.ir
 2. Master of international relations, University of Guilan, Rasht, Iran
padervand.mahdi@gmail.com
 3. Master of international relations, University of Guilan, Rasht, Iran
hooshmand.dariush@gmail.com

